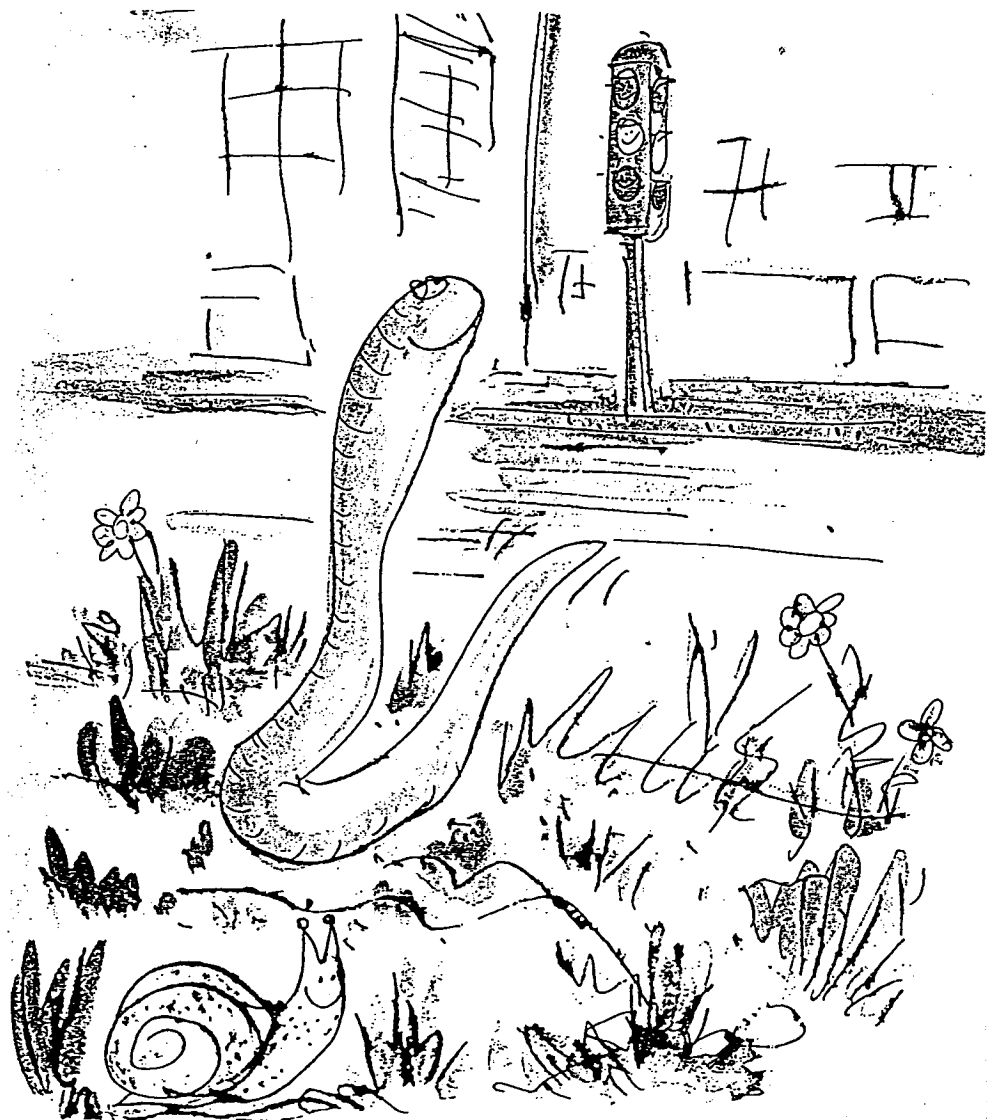


## چراغ راهنمایی

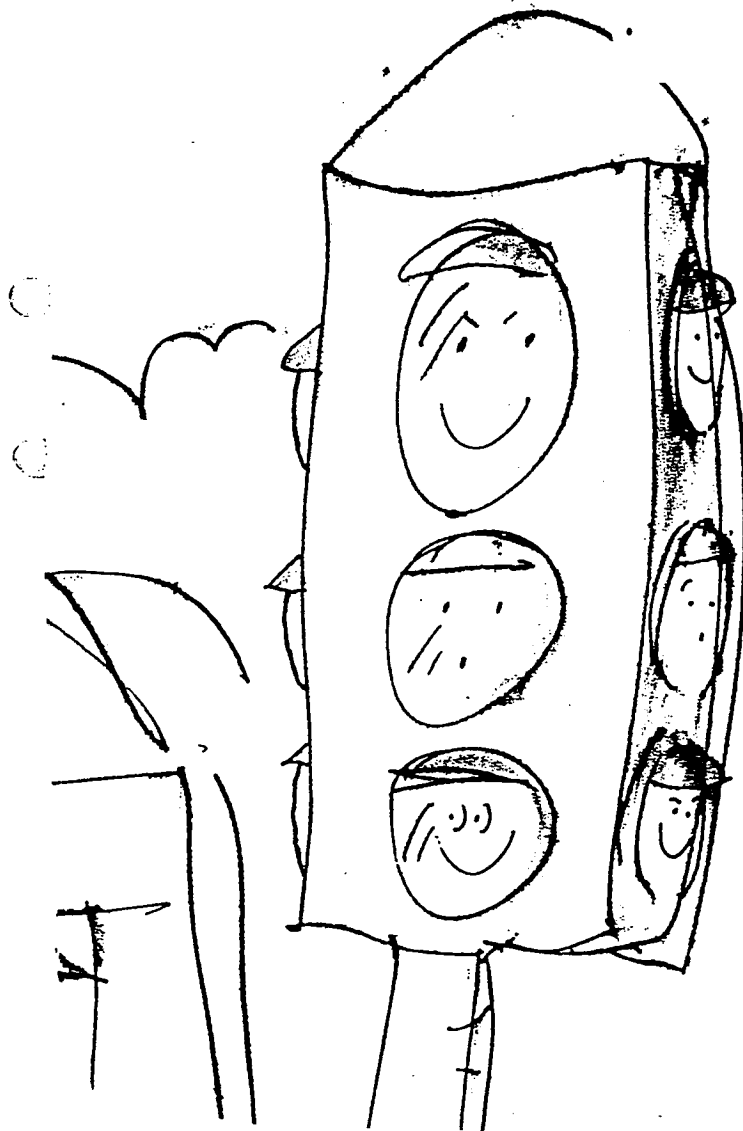
من یک چراغ راهنمایی هستم. روزی مثل همیشه در خیابان ایستاده بودم که ناگهان چشمم به کرم بزرگ و عجیبی افتاد. کرم سلامی کرد و گفت: خیلی ببخشید، شما که قد به این بلندى و آن همه چشم دارید، آیا می‌توانید آن طرف خیابان را خوب ببینید؟ نمی‌دانید چقدر دلم برای دیدن دوستانم تنگ شده است. خیابان شلوغ است و من نمی‌دانم چطور به آن طرف خیابان بروم.



گفتم دوست عزیز، هر مشکلی راه حلی دارد. خوب شد که مشکل خودت را برای من تعریف کردی. برای عبور از خیابان باید اول به چراغ های من نگاه کنی. چراغ قرمز نشانه خطر است. وقتی این چراغ روشن می شود نباید به آن طرف خیابان بروی.

چراغ زرد من علامت احتیاط است، یعنی باید خیلی مواظب باشی و صبر کنی تا چراغ سبز روشن شود. آنوقت می توانی به راحتی از خیابان رد بشوی.

کرم دانا تشکر کرد. با خوشحالی دم خود را برایم تکان داد و در میان سبزه ها و گل ها ناپدید شد.



## تمرین :

۱- درس را بخوانید و موضوع آن را یاد بگیرید.

۲- جواب پرسش های زیر را بنویسید:

- چراغ راهنمایی در خیابان چه دید؟
- کرم از چراغ راهنمایی چه می خواست؟
- کرم چرا می خواست به آن طرف خیابان برود؟
- برای عبور از خیابان چه باید کرد؟
- چراغ قرمز نشانه چیست؟
- چراغ زرد نشانه چیست؟
- چراغ سبز نشانه چیست؟
- کرم موقع خدا حافظی چه کار کرد؟

۳- با کلمات زیر جمله بسازید:

چراغ راهنمایی - عبور - راه حل - مشکل - خطر - احتیاط - ناپدید شد

۴- از کلمات زیر سه مرتبه برای تمرین دیکته بنویسید:

چراغ - مثل - عجیب - شلوغ - عزیز - عبور - خطر - علامت - احتیاط -  
مواظب - صبر - خوشحال - یعنی - تعریف -